Iranian Journal of Rehabilitation Research in Nursing (IJRN)
Vol 1 Issue 3 No3 Spring 2015

The relation between attachment styles with Sensation seeking in high school students in the city of Isfahan

*Jelvani M[1], Abedi A[2], Aghaei Goshaghani A[3]

Abstract

Introduction: The created attachment style between mother and her child will play an important role in the child's cognitive, social and behavioral performance in the future. Therefore this study was conducted to find any existing relationship between attachment styles and intensity of sensation seeking in female high school students in Isfahan-Iran.

Methods: The research was a descriptive, causal-comparative study. The statistical population of the study was all high school female students of Isfahan in academic year 2010-11, 160 students were selected through multi-stage clustered random sampling (80 High Sensation seekers, 80 low Sensation seekers). The inclusion criteria of the study were having Sensation seeking and lack of major psychiatric disorders. The applied instruments in this study were Zakerman's fifth form of Sensation seeking scale (40 items) and the adult's attachment style questionnaire. The achieved data were analyzed through MANOVA using SPSS Statistics 21.

Results: The results of the study showed that there is a significant difference between two high and low sensation seeking groups ($p<0.05$).The results of mono-variable tests proved the observed difference in MANOVA implies that there is a significant difference between the groups of high and low emotion seekers in safe attachment style scores while there was not a significant relationship between two other groups of attachment styles(anxious-avoidant and anxious-resistant) and intensity of sensation seeking ($p>0.05$).

Conclusion: Sensations and emotions, as one of the important components in social interactions, can be influenced by attachment styles especially safe attachment from very early stages of life. Therefore through providing conditions to meet the children's attachment needs, regulation and fine modulation of their adulthood emotions will be achieved.

Keywords: attachment styles, Sensation seeking, high school students

Received: 25 November 2014 **Accepted:** 11 March 2015

1- MSc student in General psychology, Department of Education, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran. **(Corresponding Author).**
E-mail: mmojali@yahoo.com
2- Assistant professor of Psychology, Department of Psychology and Education of children with special needs, University of Isfahan, Isfahan, Iran.
3- Associate professor of Psychology, Department of Education, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

[Downloaded from ijrn.ir on 2026-11-04]

پژوهش توانبخشی در پرستاری دوره اول، شماره ۳ بهار ۱۳۹۴ ۵۳-۴۵

رابطه سبک‌های دلبستگی با هیجان خواهی در دختران دبیرستانی شهر اصفهان

*مرضیه جلوانی[۱]، احمد عابدی[۲]، اصغر آقایی جشوقانی[۳]

چکیده

مقدمه: سبک دلبستگی ایجاد شده بین مادر و کودک نقش پررنگی در عملکرد شناختی، اجتماعی و رفتاری کودک در آینده دارد. لذا پژوهش حاضر با هدف مقایسه سبک‌های دلبستگی با هیجان خواهی در دختران دبیرستانی شهر اصفهان صورت پذیرفت.

روش: نوع مطالعه حاضر، توصیفی از نوع علّی ـ مقایسه‌ای (پس رویدادی) بوده است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانش آموزان دختر مقطع دبیرستان شهر اصفهان در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹ بود که ۱۶۰ نفر از این دانش‌آموزان به روش خوشه‌ای تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب شدند (۸۰ نفر هیجان خواه بالا و ۸۰ نفر هیجان خواه پایین). معیار ورود به پژوهش داشتن هیجان خواهی و نداشتن اختلال روان‌شناختی حاد بود. ابزارهای مورداستفاده در این پژوهش فرم پنجم مقیاس هیجان خواهی و پرسشنامه سبک‌های دلبستگی بزرگسالان بود. داده‌های به‌دست‌آمده با روش آماری تحلیل واریانس چند متغیره توسط نسخه ۲۰ نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: نتایج تحلیل نشان داد که بین دو گروه با هیجان خواهی بالا و پایین از نظر نمرات سبک دلبستگی تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($p<۰/۰۵$). انجام آزمون‌های تک متغیره نشان داد که تفاوت معنادار به‌دست‌آمده در آنالیز MANOVA مربوط به تفاوت دو گروه در زمینه سبک دلبستگی ایمن می‌باشد و این در حالی است که در سبک‌های دلبستگی مضطرب – اجتنابی و مضطرب – مقاوم تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد ($p>۰/۰۵$).

نتیجه‌گیری: هیجان به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم در برخوردهای اجتماعی می‌تواند تحت تأثیر سبک دلبستگی بخصوص دلبستگی ایمن قرار بگیرد، بنابراین با ایجاد شرایطی که تأمین‌کننده نیازهای دلبستگی کودکان باشد می‌توان به تنظیم هیجانات بزرگسالی آنان کمک نمود.

کلیدواژه‌ها: سبک‌های دلبستگی، هیجان خواهی، دختران دبیرستانی.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۹/۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۲۰

۱- کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران. **(نویسنده مسؤول)**

پست الکترونیکی: mjelvani56@gmail.com

۲- استادیار، گروه روان‌شناسی و آموزش کودکان با نیازهای خاص. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان، اصفهان.

۳- دانشیار، گروه روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

[Downloaded from ijrn.ir on 2026-11-04]

مقدمه

بی‌تردید، تجربیات اولیه کودک بر ابعاد گسترده زندگی آتی وی تأثیرگذارند. چنین تجربیاتی در همه‌ی کودکان یکسان نبوده و منجر به شکل‌گیری ابعاد گوناگون شناختی، رفتاری و شخصیتی در فرد خواهد شد. تجربیات اولیه گاه موجب پدیدایی آسیب‌های روانی و یا جسمانی در طی تحول از کودکی تا بزرگسالی می‌شوند (۱). رابطه مادر و کودک رابطه دو موجودی است که به‌طور شگرفی زندگی‌شان به هم پیوند خورده است؛ ارتباطی چنین نزدیک که به‌طور غریبی می‌تواند منشأ دو تأثیر کاملاً متضاد بر شکل‌گیری شخصیت انسان باشد، از یک‌سو می‌تواند کودک را به انسانی کامل، رشد یافته و بهنجار تبدیل و از سوی دیگر در صورت تخریب این ارتباط، قابلیت تبدیل به انواع اختلال‌های روانی و به دنبال آن انواع رنج‌های روانی برای خود و دیگران را دارد (۲).

Bowlby از فرایندهایی سخن می‌گوید که طی آن یک پیوند عاطفی در روابط مادر و نوزاد شکل می‌گیرد و نوزاد از لحاظ عاطفی به والدین خود دلبستگی پیدا می‌کند (۳). دلبستگی در لغت به حالت و کیفیت دل بستن، محبت و عشق گفته می‌شود. انتظارات کودک درباره‌ی حساسیت، در دسترس بودن و پاسخ‌گو بودن مراقب اولیه، منجر به شکل‌گیری تفاوت‌هایی در نوع دلبستگی نوزاد به مراقب می‌گردد و به‌واسطه همین سه عامل به‌تدریج الگوهایی درباره خود و دیگران را در ذهن درون سازی می‌کند و تفاوت‌های فردی در زمینه این الگوها و دلبستگی منجر به شکل‌گیری سه سبک دلبستگی ایمن، دلبستگی ناایمن اجتنابی و سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرا می‌شود. سبک دلبستگی ایمن شامل اکثریت کودکانی می‌شود که در این حالت مراقب، پایگاهی امن جهت کاوش در محیط است و کودک در غیاب مراقب اضطراب جدایی ندارد. والدین این کودکان به‌طورکلی در دسترس، پاسخ‌گو و نسبت به نیازهای کودک حساس می‌باشند. سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی اقلیت قابل‌توجهی از کودکان را در بر می‌گیرد، این گروه کمترین تعاملات فیزیکی و صمیمی را با مراقبانشان دارند و بعد از جدایی از مراقب بی تفاوتند و در تجدید دیدار از او اجتناب می‌کنند. والدین این کودکان اغلب طرد کننده، گوشه‌گیر و درون‌گرا هستند. سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرا In secure ambivalent، عدم پاسخ‌گویی به‌موقع و گاهی پاسخ‌گویی بی‌جا، شک و تردید نسبت به مراقب را در کودک به وجود می‌آورد و در آینده از وی شخصیتی هیستریایی می‌سازد که از صمیمیت فرار می‌کنند، دمدمی‌مزاج بوده و در عین وابستگی به دیگران، سعی در دوری جستن از پیوند نزدیک با آن‌ها دارند (۴). بر اساس تحقیقات انجام‌گرفته می‌توان ابراز نمود که سلامت جسمی و روانی مادر تأمین‌کننده سلامت کودک در بعد جسمی و روانی است (۵،۶،۷،۸) و حتی می‌توان ادعا کرد که نابسامانی عاطفی مادر بیشتر از پریشانی‌های عاطفی پدر موجب اختلال در رفتار فرزندان می‌شود (۹). Maunder و Hunter در تحقیقی نشان دادند که بین دلبستگی ناایمن و بیماری‌های جسمی و شبه جسمی ارتباط وجود دارد (۱۰). دلبستگی ناایمن با اضطراب و استرس، ابراز نامنظم و بی‌ثبات هیجانات بیرونی و رفتارهای جستجوی کمک بیش‌ازحد همبستگی دارد. ازآنجاکه توانایی‌ها و هیجانات مراقبت‌کننده اصلی بر رشد و تحول کودک بسیار چشم‌گیرتر می‌باشد، بر این اساس وقتی عوامل مؤثر بر دلبستگی کودک در نظر گرفته می‌شود، هیجان‌ها، مهارت‌ها و دانسته‌های مادر در این زمینه باارزش جلوه می‌کند (۱۱). گاهی هیجان‌ها در افراد مختلف به‌عنوان هیجان‌خواهی قلمداد می‌شود. Zuckerman هیجان‌خواهی را به این صورت تعریف می‌کند، هیجان‌طلبی صفتی است که ویژگی آن جستجوی هیجان‌ها و تجارب متفاوت پیچیده و اقدام به خطرهای جسمانی و اجتماعی به خاطر خود این‌گونه اعمال می‌باشد (۱۲). ازآنجاکه درجه هیجان‌خواهی در افراد بسیار متفاوت است، بنابراین به نظر می‌رسد که نظام شناختی و هیجانی هر فرد ریشه در تجربیات کودکی وی داشته باشد. از طرفی توانایی‌ها و هیجان‌های مادر در کنترل خود و محیط بسیار بیشتر و فراوان‌تر از توانایی‌های نوزاد است، تأثیر هیجان‌های مراقبت‌کننده اصلی بر رشد و تحول کودک بسیار چشمگیرتر بوده و سبب شکل‌گیری انواع مختلف هیجان در نزد کودک شده و باعث می‌شود کودک در آینده مدل‌های مختلف هیجانی و رفتاری را از خود بروز دهد (۱۳). یافته‌های تجربی حاکی از آن هستند که دلبستگی ایمن به چهره دلبستگی در دو

[Downloaded from ijrn.ir on 2026-11-04]

سال اول زندگی باقابلیت معاشرت بالا با دیگر بزرگسالان و ارتباط با همسالان با تنظیم مؤثر هیجانات مرتبط است (۱۴). ازنظر رفتاری، فرد هیجان خواه برخلاف فرد برون‌گرا علاقه‌مند به جستجوی تجربه جدید است و به دنبال کارهای مخاطره‌آمیز بوده و فعالیت‌های جدید و غیرمعمول را می‌طلبد و از یکنواختی و فعالیت‌های عادی زود خسته می‌شود (۱۵). نتایج مطالعه Himelstein و Thorne نیز نشان داد که بین هیجان خواهی و میزان تمایلات ریسک‌پذیری و تمایل به خطر کردن در دانش آموزان ارتباط مثبت و معنی‌داری وجود دارد (۱۶). Roberti معتقد است برحسب ویژگی‌های رشدی میزان خطرپذیری و هیجان‌خواهی در سنین نوجوانی بیشتر از سایر دوران است (۱۵). تحقیقات Flores و Aronson (۱۷) و Memmot (۱۸) نیز نشان داد که بین اعتیاد به مواد مخدر در دوران نوجوانی و بزرگسالی و سبک‌های دلبستگی ناایمن در دوران کودکی رابطه وجود دارد. Stanojevi و همکاران طی پژوهشی دریافتند که بین پرخاشگری و هیجان‌خواهی بالا ارتباط بسیار نزدیک برقرار است، به‌علاوه در این مطالعه مشخص شد که بین هیجان‌خواهی بالا و پرخاشگری با دلبستگی ایمن ارتباط منفی و بین دلبستگی ناایمن با هیجان خواهی بالا و پرخاشگری ارتباط قوی مثبتی برقرار است (۱۹).

ازآنجایی‌که تأثیرات متقابل کودک و دنیای اطراف از همان ابتدای تولد آغاز می‌شود، لذا رویدادهای اولیه زندگی را می‌توان بسیار حائز اهمیت تلقی نمود. اگر رابطه کودک با مراقبین اولیه به‌گونه‌ای باشد که نتواند نیازهای کودک را تأمین کند، کودک طرح‌واره‌های ناکارآمدی را در ذهن خود شکل می‌دهد که در آینده وی را به‌سوی آسیب روانی سوق می‌دهد که پیامد آن چیزی جز اختلالات خلقی، رفتاری و هیجانی نیست بنابراین با توجه به اهمیت نقش مادر در تحول عاطفی و هیجانی کودک، می‌توان انتظار داشت که ویژگی‌های هیجانی افراد تا حد زیادی متأثر از روابط مادر-کودک در دوران طفولیت باشد. تحقیقات زیادی مؤید این نکته هستند که ویژگی‌های رفتاری و هیجانی مادران بر ویژگی‌های جسمی و روانی کودکان مؤثرند ولی هیچ مطالعه‌ای در مقایسه سبک‌های هیجان‌خواهی در دختران دبیرستانی وجود ندارد. لذا این مقاله با هدف مقایسه سبک‌های دلبستگی با هیجان‌خواهی در میان دختران دبیرستانی نگارش شده است.

روش مطالعه

نوع مطالعه حاضر، توصیفی از نوع علّی ـ مقایسه‌ای (پس رویدادی) بوده است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان دختر مقطع دبیرستان شهر اصفهان می‌باشد که در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹ مشغول به تحصیل بوده‌اند. شیوه نمونه‌گیری در این پژوهش بدین‌صورت بود که به روش نمونه-گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای، از میان نواحی شش‌گانه آموزش و پرورش اصفهان، نواحی ۳ و ۴ به تصادف انتخاب شدند. در مرحله دوم از هر ناحیه پنج دبیرستان دولتی و غیردولتی دخترانه به‌طور تصادفی انتخاب گردیدند (جمعاً ۲ ناحیه و ۱۰ دبیرستان) و در مرحله سوم ۴۹۰ پرسشنامه هیجان‌خواهی Zuckerman و پرسشنامه سبک‌های دلبستگی بزرگسالان در میان دانش‌آموزان دختر پایه‌های اول، دوم و سوم این مدارس توزیع شد. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها هیجان خواهی Zuckerman، پس از کنار گذاشتن پرسشنامه‌های فاقد ارزش (پرسشنامه‌هایی که به شکل ناکامل تکمیل‌شده و یا مخدوش بودند) فرایند نمره گزاری انجام شد و از میان ۱۶۰ دانش‌آموزی که در پرسشنامه هیجان‌خواهی Zuckerman به عنوان هیجان خواه بالا و پایین تشخیص داده‌شده بودند، تعداد ۸۰ نفر دانش‌آموز (۴۰ نفر هیجان خواهی بالا و ۴۰ نفر هیجان خواهی پایین) به شیوه تصادفی انتخاب و از آنان جهت شرکت در پژوهش دعوت به عمل آمد. پس از حضور این افراد، جهت سنجش سبک‌های دلبستگی آنان، پرسشنامه سبک‌های دلبستگی اجرا گردید. در این پژوهش، به منظور جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه ۱۵ سؤالی Hazan و Shaver و پرسشنامه هیجان خواهی Zuckerman استفاده گردید. پرسشنامه ۱۵ سؤالی Hazan و Shaver جهت ارزیابی دلبستگی بزرگسالان مورداستفاده قرار می‌گیرد که آزمودنی‌ها پاسخ خود را بر روی یک ابزار ۵ نقطه‌ای لیکرت از صفر (هرگز) تا ۴ (تقریباً همیشه) مشخص می‌نمایند. ۵ سؤال پرسشنامه مربوط به دلبستگی ایمن، ۵ سؤال مربوط به دلبستگی ناایمن مضطرب- اجتنابی و ۵ سؤال مربوط به دلبستگی ناایمن

[Downloaded from ijrn.ir on 2026-11-04]

مضطرب- مقاوم می‌باشد. پس از نمره‌گذاری، خرده مقیاسی که در آن آزمودنی نمره بالاتری کسب کرده بود به‌عنوان سبک دلبستگی فرد در نظر گرفته می‌شود. Hazan و Shaver روایی ملاکی و محتوایی را خوب و روایی سازه آن را در حد بسیار مطلوب گزارش کرده‌اند (۲۰). همچنین رحیمیان در پژوهش خود روایی این پرسشنامه را در حد مطلوب گزارش نموده است. Hazan و Shaver پایایی پرسشنامه را با استفاده از بازآزمایی ۰/۸۱ و با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۷ به دست آوردند. کولینروید نیز در پژوهشی با ۹۰ نفر نمونه، با استفاده از آلفای کرونباخ پایایی بالایی را در مورد این ابزار به دست آورد؛ وی با استفاده از آلفای کرونباخ پایایی کل پرسشنامه را ۰/۷۵ به دست آورده که پایایی مطلوبی است. از طرفی وی با استفاده از همین روش، پایایی سبک دلبستگی ایمن، ناایمن اجتنابی و ناایمن دو سوگرا را به ترتیب ۰/۷۱، ۰/۸۱ و ۰/۸۳ گزارش نموده است. به‌علاوه اعتبار محتوایی و صوری آن توسط چند تن از متخصصان روانشناسی (اساتید دانشگاه اصفهان) مورد تأیید قرارگرفته است (۲۱). فرم پنجم مقیاس هیجان‌خواهی Zuckerman در سال ۱۹۷۸ تهیه گردیده است. این مقیاس برای ارزشیابی عوامل هیجان‌خواهی تهیه و خود از چهار مؤلفه یا عامل فرعی هیجان‌خواهی شامل ماجراجویی، تجربه طلبی، گریز از بازداری و ملال پذیری تشکیل‌شده است. فرم پنجم هیجان‌خواهی Zuckerman دارای ۴۰ ماده دوجزئی بوده که هریک از خرده مقیاس‌های چهارگانه شامل ۱۰ ماده آزمون می‌باشند. ماده‌های این مقیاس از سؤال دوجزئی تشکیل شده که اجزاء هر ماده آزمون با دو جزء "الف" و "ب" از هم مجزا و مشخص می‌شوند، به‌طوری‌که آزمودنی‌ها می‌توانند به یک جزء از هر ماده آزمون پاسخ دهند. نمره‌های خام آزمودنی‌ها در هر یک از عوامل چهارگانه مقیاس در هر عامل از صفر تا ده است که بر اساس کلید نمره‌گذاری تعیین می‌شوند و سپس با مراجعه به جداول تبدیل نمره‌گذاری، نمرات آزمودنی‌ها ارزش واقعی خود را به دست می‌آورند. قابلیت اعتبار درونی فرم پنجم هیجان‌خواهی توسط Zuckerman در نمونه‌های آمریکایی و انگلیسی محاسبه‌شده است که در مردان و زنان به ترتیب ۰/۸۳ و ۰/۸۶ محاسبه گردید (۲۲). خالوئی ضریب همبستگی پیرسون را در روش بازآزمایی به فاصلهٔ دو هفته برای گروه مردان ۰/۷۸ و برای گروه زنان ۰/۸۰ و برای گروه مردان و زنان ۰/۷۹ ذکر کرده است (۲۳) که این امر نشان از اعتبار نسبتاً بالای این مقیاس دارد. در این مطالعه پژوهشگر پس از دعوت واحدهای موردپژوهش در جلسه توجیهی و شرح فرایند چگونگی انجام کار رضایت‌نامه کتبی از آن‌ها اخذ و مقرر گردید که پس از انجام پژوهش، دوره‌ای برای شرکت‌کنندگان درباره هیجان و روش‌های تنظیم آن توسط پژوهشگران ترتیب داده شود. جهت تجزیه‌وتحلیل داده‌ها تحت نسخه ۲۰ نرم افزار SPSS از میانگین، انحراف معیار و برای مقایسه سبک‌های دلبستگی (ایمن، مضطرب-مقاوم و مضطرب- اجتنابی) بین دو گروه هیجان خواه بالا و هیجان خواه پایین از تحلیل واریانس چند متغیری استفاده شد.

یافته‌ها

در این مطالعه نمونه‌های پژوهش دارای سنین ۱۵ تا ۱۷ سال بودند. بدین‌صورت که ۳۹ درصد ۱۵ ساله، ۳۱ درصد ۱۶ ساله و ۳۰ درصد نیز ۱۷ ساله بودند. میانگین و انحراف معیار نمره سبک‌های دلبستگی در دو گروه هیجان خواه بالا و هیجان خواه پایین را به تفکیک در جدول (۱) نشان داده‌شده است.

جدول شماره ۱: میانگین و انحراف معیار سبک‌های دلبستگی در دو گروه

گروه	شاخص‌های آماری	میانگین	انحراف معیار
ایمن	هیجان‌خواهی بالا	۱۰/۹۶	۴/۱۸
	هیجان‌خواهی پایین	۱۲/۲۰	۳/۵۴
مضطرب – مقاوم	هیجان‌خواهی بالا	۱۰/۰۴	۳/۹۶
	هیجان‌خواهی پایین	۹/۲۸	۳/۶۰
مضطرب – اجتنابی	هیجان‌خواهی بالا	۸/۷۴	۳/۰۶
	هیجان‌خواهی پایین	۸/۸۶	۴/۱۴

[Downloaded from ijrn.ir on 2026-11-04]

همان‌طور که نتایج جدول نشان می‌دهد میانگین سبک‌های دلبستگی در دو گروه با هیجان‌خواهی بالا و هیجان‌خواهی پایین تفاوت فراوان ای را با هم نشان می‌دهند. میانگین نمره گروه هیجان‌خواهی بالا در سبک دلبستگی ایمن بالاتر ولی در دو سبک دلبستگی مضطرب - اجتنابی و مضطرب – مقاوم پایین‌تر از میانگین نمره گروه هیجان‌خواهی پایین می‌باشد.

پس از به بررسی نرمال بودن توزیع نمرات در هر سه متغیر و یکسان بودن ماتریکس واریانس‌ها از آزمون پارامتریک واریانس چند متغیری استفاده گردید که نتایج نشان داد که میانگین نمره سبک‌های دلبستگی (ایمن، مضطرب–مقاوم و مضطرب– اجتنابی) در دو گروه هیجان خواهی بالا و پایین تفاوت معنی‌دار وجود دارد (P<۰/۰۵). لذا جهت بررسی معنی‌داری یکایک متغیرها، پژوهشگر پس از بررسی برابری واریانس گروه‌ها از تحلیل تک متغیری استفاده نمود که نتایج بیانگر آن بود که از سه متغیر سبک دلبستگی ایمن، مضطرب–اجتنابی و مضطرب–مقاوم فقط در متغیر سبک دلبستگی ایمن بین دو گروه تفاوت معنی‌داری وجود دارد و در متغیرهای سبک دلبستگی اجتنابی و دو سوگرا تفاوت معنی‌داری بین گروه‌ها مشاهده نگردید (جدول ۲).

جدول شماره ۲: نتایج تحلیل واریانس دو گروه هیجان خواهی بالا و پایین

شاخص‌های آماری / سبک‌های دلبستگی	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	مجذور اتا	توان آماری
ایمن	۱/۴۴	۱	۱/۴۴	۰/۰۹	۰/۰۲	۰/۲۹	۰/۹۸
مضطرب– اجتنابی	۱۴/۴۴	۱	۱۴/۴۴	۱	۰/۳	۰/۰۱	۰/۸۷
مضطرب–مقاوم	۰/۳۶	۱	۰/۳۶	۰/۰۲	۰/۸	۰/۰۰	۰/۸۳

بحث

نتایج مطالعه نشان داد که بین سبک دلبستگی ایمن در دانش آموزان با هیجان‌خواهی بالا و پایین تفاوت معنی‌داری وجود داشت درحالی‌که تفاوتی بین سبک دلبستگی اجتنابی و سبک دلبستگی مضطرب– مقاوم در دانش آموزان با هیجان خواهی بالا و پایین مشاهده نشد. یافته‌های مطالعه حاضر مبنی بر تفاوت بین سبک دلبستگی ایمن در بین دانش آموزان دختر دبیرستانی با هیجان‌خواهی بالا و پایین با مطالعات Stanojevi و همکاران (۱۹)، Burek (۲۴) و Bartholomew (۲۵) همخوانی دارد. در تبیین چرایی فرضیه تفاوت دو گروه با هیجان‌خواهی بالا و پایین در سبک دلبستگی ایمن، یافته‌های تحقیقی نشان داده‌اند که سبک‌های دلبستگی، به عنوان یک عامل تحولی در گرایش‌های شخصیتی و شکل‌گیری شخصیت تعیین‌کننده مهمی هستند. چنانچه Carlson و Sroufe اهمیت کنش سازمانی سیستم دلبستگی را در یکپارچه کردن مؤلفه‌های عاطفی، انگیزشی، شناختی و رفتاری مورد تأکید قراردادند (۲۶). اعتمادی که کودک در سال‌های اولیه بر اساس ارتباط ایمن والد–کودک به دست می‌آورد، می‌تواند تضمین‌کننده اعتمادبه‌نفس و سلامت هیجانی او در آینده باشد. کودکی که از ارتباط عاطفی و صمیمانه با پاسخگویی مناسب از طرف والد خود برخوردار است، می‌تواند به‌راحتی هیجانات خود را ابراز نموده و به میزان کمتری دچار مشکلات هیجانی، عاطفی و اجتماعی شود.

همچنین نتایج پژوهش نشان داده بود که تفاوت معنی‌داری بین سبک دلبستگی اجتنابی در دو گروه دانش آموزان دختر دبیرستانی با هیجان‌خواهی بالا و پایین وجود ندارد. این یافته‌ها تا حدی با نتیجه پژوهش Ledonx و همکاران (۲۷)، Sable (۱۳) و احمدی (۲۸) مغایرت دارد. بر اساس یافته‌ای Ledonx و همکاران در زنان بین هیجان منفی نسبت به خود و سبک دلبستگی ناایمن ارتباطی وجود دارد (۲۷). یافته‌های تجربی حاکی از آن می‌باشند که ایجاد دلبستگی ایمن به چهره دلبستگی در ۲ سال اول زندگی با قابلیت معاشرت بالا با دیگر بزرگسالان، ارتباط با همسالان و با تنظیم مؤثرتر هیجانات مرتبط است (۱۳). همان‌طور که در پژوهش احمدی نیز نشان داده‌شده است، کیفیت دلبستگی با کسب مهارت‌های اجتماعی،

[Downloaded from ijrn.ir on 2026-11-04]

روابط با هم نوعان و نوع مقابله با تنیدگی در کودکان پیش‌دبستانی رابطه معنی‌دار است (۲۸). در تبیین چرایی این مغایرت می‌توان این‌گونه بیان کرد که سبک دلبستگی به‌تنهایی نمی‌تواند تعیین‌کننده ویژگی هیجان‌خواهی در افراد باشد و ثابت‌شده است که ژن خاصی به نام بی دی ان اف ممکن است در میزان خصیصه هیجان‌خواهی مؤثر باشد. این ژن می‌تواند تأثیر به سزایی بر تکثیر و تفکیک انتقال‌دهنده‌های عصبی داشته باشد. همچنین گزارش‌شده است که این ژن بر سیستم دوپامینرژیک و سروتونرژیک تأثیرگذار است و علاوه بر این نتایج بیانگر آن بود که بین سیستم پاداش‌دهی دوپامین و میزان هیجان‌خواهی ارتباط مثبت و معنی‌دار وجود دارد که می‌تواند با ژن دی ار دی مرتبط باشد (۲۹).

همچنین یافته‌ها نشان دادند که تفاوت معنی‌داری در سبک دلبستگی مضطرب- مقاوم در دو گروه دانش‌آموز دختر دبیرستانی با هیجان خواهی بالا و پایین وجود ندارد. تحقیقات فراوانی دال بر این نکته وجود دارند که هیجان خواهی بالا و سبک دلبستگی ناایمن هر کدام به‌تنهایی می‌توانند پیش‌بینی کننده نسبتاً خوبی برای ابتلاء به مسائل روان‌شناختی و مشکلات اجتماعی، سوءمصرف مواد و غیره باشد؛ اما این به آن معنی نیست که دلبستگی ناایمن به‌طور قطع با هیجان‌خواهی بالا ارتباط معنی‌داری داشته باشد. پژوهشی Fossati و همکارانش نشان داد که از مهم‌ترین مؤلفه‌های مشترک در افراد مبتلا به مشکلات شخصیتی در اختلال شخصیت مرزی هیجان خواهی بیش از اندازه، تکانش گری و خشونت است (۳۰). خصیصه هیجان‌خواهی از عوامل زیربنایی اختلال شخصیت هستیریائی نیز می‌باشد. مطالعات Himelstein و Thorne نشان داد که بین میزان هیجان‌خواهی و میزان تمایلات ریسک پذیری و تمایل به خطر کردن در دانش‌آموزان ارتباط مثبت و معنی‌داری وجود دارد (۱۶). مطالعات زیادی مؤید آن هستند که هیجان‌خواهی بالا با بسیاری از بدکاری‌های رفتاری ارتباط مثبت داشته است (۱۹).

در تبیین چرایی عدم تفاوت بین دو گروه با هیجان‌خواهی بالا و پایین در سبک دلبستگی مضطرب- مقاوم ذکر این نکته لازم است که پژوهش حاضر صرفاً در مورد دختران دبیرستانی انجام پذیرفته است. با استناد به پژوهش‌های انجام‌گرفته مشخص شد که بین زنان و مردان از نظر سبک دلبستگی ناایمن تفاوت وجود دارد. به این صورت که زنان بهتر از مردان قادر به تشکیل مجدد روابط دلبستگی و بهبود آن هستند. به عقیده پژوهشگر از آن‌جا که نمونه موردبررسی در این تحقیق را فقط دانش‌آموزان دختر دبیرستانی تشکیل می‌دادند، می‌توان احتمال داد که در صورت اجرای این پژوهش بر روی گروه مردان نتایج متفاوتی حاصل شود. همچنین بررسی‌های دقیق‌تر بر روی گروه‌های سنی مختلف نیز می‌تواند به هرچه روشن‌تر شدن این مسئله کمک کند.

نتیجه‌گیری نهایی

همان‌گونه که ذکر گردید، فقط در متغیر سبک دلبستگی ایمن بین دو گروه دارای هیجان خواهی بالا و پایین تفاوت معنی‌داری وجود دارد. لذا به نظر لازم می‌رسد که در فرایند هیجان‌خواهی دانش آموزان می‌بایست به سبک‌های دلبستگی آنان نیز توجه کافی گردد که در این راستا به نظر می‌رسد آگاهی دادن به مادران در خصوص فرایند دلبستگی در کودکی که می‌تواند نقش بسیار پراهمیتی در فرایندهای ارتباطی، هیجانی، عاطفی و شناختی کودکان در آینده را داشته باشد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. انجام مطالعه حاضر در گروه دختران با حجم نمونه کوچک، انتخاب نمونه‌ها فقط از یک شهرستان و درنهایت علی – مقایسه‌ای بودن روش پژوهش، نتیجه‌گیری قطعی در مورد یافته‌ها و همچنین تعمیم‌پذیری نتایج را با اشکال مواجه می‌سازد. لذا پیشنهاد می‌گردد پژوهش دیگری در گروه مردان و در رده‌های مختلف سنی انجام گیرد.

تشکر و قدردانی

از مسئولین ادارات آموزش و پرورش نواحی سه و چهار اصفهان و همچنین آموزشگاه‌های مجری که در طول این پژوهش همکاری کاملی را داشته‌اند و نیز از کلیه دانش‌آموزانی که در این مطالعه شرکت نموده‌اند نهایت تشکر و قدردانی می‌گردد.

[Downloaded from ijrn.ir on 2026-11-04]

منابع

1- Bakermans-Kranenburg MJ1, van IJzendoorn MH, Juffer F. Less is more: meta-analyses of sensitivity and attachment interventions in early childhood. Psychol Bull. 2003 Mar; 129(2):195-215.

2- Khanjani Z. Transition from child hood to adolescence and attachment Pathology. Tabriz. Forozesh Publication. 2005. (In Persian).

3- Bowlby J. Attachment and loss, vol.1: attachment. New York.1969. Basic books.

4- Hosseini S H. To investigate the relationship between cognitive and attachment styles in university students of Shahid Beheshti. Thesis MS in clinical psychology. Shahid Beheshti University. 2004. (In Persian).

5- Brown A M L, Whiteside SP. Relation among parental rearing behaviors, attachment style, and worry in anxious children. J Anxiety Disord. 2008; 22(2):263-272.

6- Pellegrino M. Maternal Anxiety, Orienting, And the Emergence of Child Anxiety among Young children with and without developmental Delay. Journal of Child and Adolescent psychiatry.2006; 16 (20): 333- 350.

7- LoundhL G. Perfectionism and Acceptance. Journal of Rational Emotive & Cognitive – Behavior therapy.2004; 22 (4): 251-265.

8- Wissman MM. Depressed mothers coming to primary care: Maternal reports of problem with their children. Journal of Affective Disorders. 2004; 78 (2): 93-100.

9- Ahadi H. BaniJamali P. Developmental Psychology. Nashr and Boniad Publishing. 1995. (In Persian).

10- Maunder R G, Hunter J. Attachment and psychosomatic medicine: Developmental contributions to stress and disease. Psychosom Med. 2001 Jul-Aug; 63(4):556-67.

11- Yohanaei Z. Attachment; Patterns directions given by the mothers and children attached securely attached children insecure. Thesis MS in Psychology. Shahid Beheshti Univercity. 2006. (In Persian).

12- Rio J. Motivation and Emotion. Translated by Mohamadi, Yahya. Ravan Nashr. Tehran. 2007. (In Persian).

13- Sable P. Attachment, etiology and adult psychotherapy. Attachment & Human development 2004 Mar; 6(1):3-19.

14- Richters J, Waters E. Attachment and socialization: The Positive side of social influence. In Lewis M, Feinman S (Eds), Social influences and Socialization in infancy. New York: Plenum Press. 1991. 185- 213.

15- Roberti J. A review of behavioral and biological correlates of sensation seeking. Journal of Research in personality, 2004; 38(3): 256-279.

16- Himelstein Ph, Thorne SB. Relationship between the sensation seeking scale and a biographical inventory designed to predict risk- taking behavior original research article. Journal of Personality and individual Difference.1985; 6(1): 121-122.

[Downloaded from ijrn.ir on 2026-11-04]

17- Flores Philip J. Addiction as an Attachment Disorder. Health and Medical Compete. Jason Aronson. 2004.

18- Memmot J. Addiction as an Attachment Disorder. Bulletin of the Menninger Clinic. 2007; 7(3): 271-270.

19- Stanojevi TS, Vidanovic S, Andelkovic V. Attachment, Aggression and Sensation Seeking in Adolescence. Annual of Social Work. 2010; 17(1): 71-92.

20- Hazan C, Shaver P. Romantic love conceptualized as attachment process. J Pers Soc Psychol. 1987 Mar; 52(3):511-24.

21- Rahimian BA. The Relationship between job satisfaction, job orientation and in evolvement, working with different adult attachment styles in a public hospital nurses in Isfahan. Iraninan Psychiatry and Clinical Psychology. 2004; 13(2): 148-157. (In Persian).

22- Zuckerman M. Sensation seeking. Beyond the optimal-level of arousal. Hillsdale, N.J: L. Erlbaum Associates 1979.

23- Khaloei Gh. relationship between sensation seeking and marital satisfaction in Arak City families. Isfahan; Dissertation MS in general psychology. Isfahan university.2002. (In Persian).

24- Burek L. Developmental psychology (from conception to child hood). Vol: 1. Translated by Mohamadi SY. Arasbaran publication. Tehran. 2007. (In Persian).

25- Bartholomew K. & Shaver P R. Measure of attachment: Do they converge? In J. A. Simpson & W. S. Rholes (Eds.), Attachment theory and close relationships (pp. 25-45). New York: Guilford Press. (1998).

26- Carlson E, Sroufe LA. The contribution of attachment theory to developmental psychopathology. In D. Cicchetti & D. Cohen (Eds.), Developmental processes and psychopathology: Vol: 1. Theoretical perspectives and methodological approaches (pp. 581-617). New York: Cambridge University Press. (1995).

27- Ledonx T, Winterowd C, Richardson T, Clark D. Relationship of negative self-schemas and attachment stayles with appearance shemas. Journal of Body image.2010; 7 (3): 213-217.

28- Ahmadi SH. The Relationship between the childes quality of life – a mother and coping whith social development in preschool children. Dissertation MS in general psychology. Tehran university.2000. (In Persian).

29- Campella BC. Dreberb A, Apicellad C L, Eisenberg D T A, Grayf P B, Littley A C, Garciah J R, Zamoreh R, Lumh IK. Testoster one exposure, dopaminergic reward and sensation seeking in young men. Journal of Physiology and Behavior. 2010; 99(4): 451-456.

30- Fossati A, Barrat E, Borroni S, Villa D, Grazioli, Maffei C. Impulsivity, aggressiveness and DSM- IV personality disorders. Psychiatry Research. 2005; 149 (1-3): 156-167.

[Downloaded from ijrn.ir on 2026-11-04]